

مسیرهای جداگانه امریکا و اروپا در قطر

هنگامی که بحران قطر شروع شد شاهد دو نوع موضع‌گیری متفاوت در غرب بودیم.



به گزارش آران نیوز: «سید رضا میرطاهر» در یادداشت روزنامه «جوان» نوشت:

هنگامی که بحران قطر شروع شد شاهد دو نوع موضع‌گیری متفاوت در غرب بودیم؛ یکی مربوط به موضع‌گیری امریکا به رهبری ترامپ می‌شد و دیگری اتحادیه اروپا و کشورهای مهم آن به ویژه آلمان.

در مورد موضع ایالات متحده یک دوگانگی قابل مشاهده بود. در مرحله اول بحران، ترامپ رویکردی کاملاً تخصمی و منفی علیه قطر و به نفع عربستان اتخاذ کرد و حتی صریحاً اعلام کرد قطر یکی از کشورهای حامی تروریسم در منطقه به شمار می‌رود، اما در ادامه نگاه مراکنتیلیستی یا تاجرآبی ترامپ و به دنبال انعقاد قرارداد ۱۲ میلیارد دلاری با دوحه و فروش ۷۲ فروند جنگنده اف ۱۵، چرخشی در نگاه رئیس‌جمهوری امریکا به وجود آمد.

در همین راستا تیلرسون، وزیر خارجه این کشور خواهان گفت‌وگو و مذاکره میان عربستان و شرکایش با قطر برای حل و فصل سیاسی اختلافات فی مابین شد. بنابراین امریکایی‌ها بر مبنای محاسبه سود و زیان و منافع اقتصادی عمل کردند. در طرف مقابل موضع اتحادیه اروپا از ابتدای این بحران دارای همگنی و هماهنگی بوده است.

در این چارچوب مقامات ارشد اتحادیه اروپا به ویژه موگرینی، مسئول سیاست خارجی این نهاد و مرحله بعد سایر مقامات اروپایی خواهان انجام گفت‌وگو به منظور پایان دادن به اختلات عربستان و قطر شدند. از این رو کشورهای اتحادیه اروپایی موضع مشابهی گرفتند به خصوص وزیر خارجه آلمان که بر لزوم حل هرچه سریع‌تر مشکل از راه‌های دیپلماتیک و میانجیگری تأکید کرد. ایمانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور جدید فرانسه نیز با مقامات آلمانی هم نظر نشان داد.

علت چنین برخوردی از اروپایی‌ها به منافع اقتصادی و تجاری آنها برمی‌گردد. از دید اتحادیه اروپا بروز تنش‌های جدی در منطقه ژئواستراتژیک خلیج فارس می‌تواند منافع حیاتی اروپا را در معرض خطر قرار دهد. در حالی که امریکا وابستگی کمتری به نفت خلیج فارس دارد، اروپا علاوه بر نفت به گاز این منطقه نیاز مبرم دارد و قطر یکی از اصلی‌ترین کشورهای صادرکننده گاز مایع در جهان محسوب می‌شود. همچنین بازارهای این حوزه برای اتحادیه اروپا مهم هستند و هرگونه تنش می‌تواند منافع تجاری، اقتصادی و استراتژیک اروپا و کشورهای بزرگ آن را دچار تهدید جدی کند.

از طرفی وقوع بحران در خلیج فارس به طور حتم بر بهای جهانی نفت و گاز اثر منفی دارد و این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز سرایت بحران به اقتصاد اروپا باشد. در شرایطی که اقتصاد این قاره به تازگی از بحران خارج شده است، هنوز برخی کشورها مانند یونان، اسپانیا و پرتغال در حالت عدم تعادل اقتصادی به سر می‌برند.

در همین راستا انگلیس به عنوان قدیمی‌ترین و یکی از بازیگران مهم خلیج فارس، موضعی در راستای منافع عربستان اتخاذ کرد. لازم به ذکر است انگلیس بزرگ‌ترین پایگاه دریایی خارج از مرزهای خود را در بحرین و بندر سلمان منامه ایجاد کرده است. انگلیسی‌ها می‌خواهند حضور دیرپا و پراهمیت نظامی خود را در این منطقه عینیت ببخشند و این حضور مستلزم حفظ رویکردهایی همسو با دولت‌های میزبان است. در این رابطه بحرین هم اختلافات بسیار دیرینه‌ای با قطر دارد که شامل اختلافات دودمانی، ارضی، دریایی و سیاسی می‌شود.

در عین حال به نظر می‌آید دولت لندن با محاسبه هزینه و فایده در مخاصمه عربستان، بحرین، امارات متحده عربی و مصر علیه قطر به این جمع‌بندی رسیده که اقدامات دلخواه ریاض از جمله خودداری معامله با ریال قطری را انجام دهد.